

درس حقوق خانواده

جلسه: سوم آموزشی

تاریخ: ۲۴ اسفند ۹۸

رشته مدیریت خانواده

ترم اول

مدرس: ورمزیار

دانشکده: زینب کبری (س)

سلام بر دختران عزیزم وقت همگی بخیر و شادی
انشاءالله که حال خودتون و خانواده محترمتون خوب و در صحت و سلامت
کامل باشد

خسته نباشید عزیزان گویا همه دانشجویان در گروه نیستند چون فقط ۱۰
نفر مطالب جلسه مطالعه و پاسخ را ارسال کردند . لطفا به دوستانتون اطلاع
رسانی کنید .

ابتدا به پاسخ درست سؤالات جلسه دوم توجه نمایید :

۱- الف

۲- ب

۳- د (غیر نافذ و باطل)

(هر سؤال ۰/۲۵ روی هم ۱/۵ نمره دارد)

۴- د

۵- الف

۶- ج

حال به

مطالب جلسه سوم

شروط ضمن عقد ازدواج

در نکاح مانند دیگر قراردادها ممکن است اراده با پاره ای تعهدات فرعی که خارج از عناصر اصلی قرار داد است تعلق گیرد، این تعهدات فرعی را شروط ضمن عقد گویند. مثلاً در نکاح شرط شود که زن یا شوهر وصف خاصی داشته باشد. اینگونه عقد ها که شرطی ضمن آن شده است عقد مشروط یا مقرون به شرط نامیده می شود که عقد منجز است و نباید آن را با عقد معلق اشتباه کرد چون آثار خود را به محض انعقاد به بار می آورد. شروط ضمن عقد نکاح را به باطل و صحیح می توان تقسیم کرد: که ما فقط شروط صحیح را می خوانیم.

شروط صحیح

طبق ماده ۲۳۴ ق.م، شروط صحیح به شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل تقسیم می شود. شرط صفت: تعریف و ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت: منظور از این شرط در نکاح این است که وجود صفت خاصی در یکی از زوجین یا در مهر شرط شده باشد. مثلاً شرط شده باشد که مرد دارای درجه لیسانس یا زن باکره باشد که در صورت تخلف شرط، کسی که شرط به نفع او شده است (مشروطه له) می تواند نکاح را فسخ کند.

شرط نتیجه: شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود، مثل اینکه در نکاح شرط شود که شوهر مالک مال معینی شود که متعلق به زن است.

نکته: کاربرد شرط نتیجه در نکاح در ایران بیشتر مربوط به شرط وکالت برای طلاق است. ضمانت اجرای شرط نتیجه: هرگاه امری که تحقق آن به صورت شرط نتیجه مورد نظر بوده حاصل نشود مثلاً انتقال مال مورد شرط بنا به دلایلی به شوهر امکان پذیر نباشد، نمی توان برای مشروط له خیار فسخ قائل شد و فقط می تواند که از متعهد مطالبه خسارت نماید.

شرط فعل: شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از طرفین یا بر شخص خارجی شرط شود. چنانچه در نکاح شرط کنند که اگر شوهر زن دیگری اختیار کند یا زن خود را طلاق دهد مبلغی به او بپردازد.

ضمانت اجرای شرط فعل: در عقد نکاح در صورت تخلف از شرط فعل در صورتی که زبانی از جهت تخلف از شرط به مشروط له وارد شده باشد می تواند جبران خسارت را از مشروط علیه بخواهد ولی حق فسخ ندارد.

شرط ضمن عقد مندرج در قباله های ازدواج

این شروط در دفاتر ثبت و همچنین در قباله های ازدواج چاپ شده است که طرفین با امضای ذیل هریک از آنها، بعض یا کل آنها را می پذیرند. این شروط شامل شرط انتقال تا نصف دارایی و شرط وکالت بلاعزل برای طلاق در پاره ای موارد است.

شرط انتقال تا نصف دارایی

تحقق این شرط زمانی است که طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق او نبوده، در این صورت زوج مکلف است تا نصف دارایی را که در ایام زناشویی با او بدست آورده یا معادل آن را به زوجه بدهد.

این شرط از دو جهت قابل بررسی است: (جهت مطالعه)

الف) از جهت مفهوم شرط انتقال **ب)** از جهت ابهام و اشکال شرط ازدواج

الف - مفهوم شرط: شرط انتقال در صورتی که به امضای زوجین برسد، تعهد انتقال و تملیک مجانی و بلاعوض با تحقق ارکان و شرایط مربوط ایجاد می گردد. چنین شرطی، شرط فعل است و عمل موضوع تعهد، عمل حقوقی است و دارای ضمانت اجرای حقوقی می باشد.

ب - ابهام و اشکال شرط: یکی از اشکالات مهم این شرط آن است که حداکثر تکلیف شوهر را مشخص می کند بدون اینکه حداقل آن معلوم باشد و تعیین میزان اموال مورد تکلیف با دادگاه است. اشکال دیگر این شرط مجهول بودن موضوع آن است به این معنی که در حین وقوع عقد، دارایی مشمول تعهد وجود خارجی ندارد که در این زمینه می توان گفت که چنین شرطی موجب غرر و خطر نیست و به وسیله دادگاه قابل تعیین است.

وکالت بلاعزل در پاره ای موارد

مواردی که زن می تواند حسب مورد از دادگاه تقاضای صدور اجازه طلاق نماید به شرح زیر است:

۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت ۶ ماه به هر عنوان و وفا نکردن به سایر حقوق

واجبه زن به مدت ۶ ماه

۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی برای زوجه غیر قابل تحمل باشد.

۳- ابتلاء زوج به امراض صعب العلاج، به نحوی که از ادامه زناشویی برای زوجه مخاطره آمیز باشد.

- ۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعا ممکن نباشد.
- ۵- عدم رعایت دستور دادگاه مبنی بر منع اشتغال زوج به شغلی که منافعی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.
- ۶- محکومیت زوج به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر.
- ۷- ابتلاء زوج به هرگونه اعتیاد مضر که به زندگی خانوادگی خلل وارد آمد.
- ۸- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد.
- ۹- در صورتی که پس از گذشت ۵ سال به سبب عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر زوج، زوجه صاحب فرزند نشود.
- ۱۰- در صورتی که زوج مفقود الاثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.
- ۱۱- در صورتی که زوج مفقود الاثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.
- ۱۲- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

اهلیت برای ازدواج

یکی از شرایط نکاح اهلیت است یعنی طرفین باید توانایی قانونی برای عقد نکاح داشته باشند.

سن بلوغ: بلوغ در لغت رسیدن به چیزی است و در اصطلاح فقهی رسیدن به سنی است که غریزه جنسی در آن به حد کافی رشد کرده و شخص آماده تولید مثل می گردد.

در فقه امامیه سن بلوغ برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است که علاوه بر این شرایط دختر و پسر باید رشید باشند یعنی بتوانند مصلحت خود را تشخیص دهند.

سن ازدواج در قوانین موضوعه

سن ازدواج در قانون مدنی نخستین: طبق ماده ۱۰۴۱ ق.م. سال ۱۳۱۳، سن ازدواج دختران ۱۵ سال و سن پسران ۱۸ سال تعیین شده بود. ولی در مواردی که مصالح اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود که این معافیت شامل دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال نمی شود.

سن ازدواج و معافیت از شرط سن در قانون حمایت خانواده: طبق ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، ازدواج زن قبل از رسیدن به ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام ممنوع اعلام شد.

ولایت در ازدواج

ولایت پدر و جد پدری : مقصود از ولی همان ولی قهری یعنی پدر و جد پدری است. در مورد وصی منصوب از سوی پدر یا جد پدری و قیم، قول مشهور فقها بر عدم ولایت است که قانون مدنی نیز آن را پذیرفته است.

اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج باکره

ولایت پدر و جد پدری

طبق ماده ۱۰۴۳ اصلاحی قانون مدنی سال ۱۳۷۰: نگاه دختر باکره، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و در صورت مضایقه پدر یا جد پدری بدون علت، اجازه او ساقط و انجام نکاح طی مراحل توسط دادگاه مدنی خاص صورت می گیرد. طبق این ماده اگر دختر باکره یک بار شوهر کرده و قبل از نزدیکی از او جدا شده باشد، برای ازدواج دوم نیاز به اذن ولی دارد.

حدود ولایت در ازدواج دختر باکره

خلاف اصل بودن ولایت: از آنجا که دخالت و ولایت در ازدواج دختری که به سن بلوغ رسید خلاف اصل است حدودی برای آن در نظر گرفته شده است:

اولاً، فقط پدر و جد پدری دارای چنین اختیاری است و موافقت یکی از آنها کافی است و در صورت حجر آنها اجازه از شخص دیگری مانند قیم لازم نیست و در صورت فوت پدر یا جد پدری کسب اجازه از دیگری لازم نیست. در صورتی که پدر و جد پدری غایب باشند دختر حق دارد آزادانه ازدواج کند.

ثانیاً، اجازه پدر و جد پدری فقط در مورد ازدواج دختری لازم است که باکره باشد، در صورتی که دختر بدون ازدواج یا در اثر ازدواج باطل با عمل جنسی بکارت خود را از دست دهد کسب اجازه لازم نیست.

ثالثاً، در صورتی که پدر یا جد پدری از اختیار خود سوء استفاده کند و بدون علت موجه از دادن اجازه خودداری کند، دختر می تواند بدون کسب اجازه و با موافقت دادگاه ازدواج نماید.

نکته: فقهای امامیه بر اجماع گفته اند: اگر ولی، دختر را از ازدواج با کفو (هم شأن و همتا) با تمایل دختر به ازدواج، منع کند ولایت او ساقط خواهد شد و دختر در نکاح استقلال خواهد داشت.

ماده ۱۰۴۴ ق.م و تبصره آن: طبق این قانون در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز غیر ممکن باشد و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد وی می تواند اقدام به ازدواج نماید.

طبق تبصره این ماده ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می باشد. به نظر می رسد این ماده مبتنی بر قاعده لاضرر و قاعده عسر و حرج است.

نکته: دختر یا پسری که بعد از بلوغ و قبل از رسیدن به سن رشد ازدواج کنند می توانند در امور غیر مالی مربوط به نکاح و طلاق شخصاً اقامه دعوی کنند.

مسأله: چنانچه دختر بالغه باکره بدون موافقت پدر یا جد پدری ازدواج کند چنانچه پدر برای ابطال ازدواج دادخواستی تقدیم کند نیازی به آوردن دلیل بر موجه بودن مخالفت خود ندارد و طبق اصل ولایتی که پدر یا جد پدری بر دختر دارد کافی است وقوع ازدواج بدون موافقت خود را در تایید خواسته اش ثابت کند. چنانچه دختر ثابت نماید که علت مخالفت پدر ناموجه بوده است دادگاه حکم به نفوذ ازدواج می دهد که حکم دادگاه در این مورد حکم اعلامی خواهد بود.

ازدواج غیر رشید و مجنون

ازدواج غیر رشید: عدم نفوذ ازدواج بدون اذن ولی: غیر رشید یا سفیه کسی است که تصرف او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد و نیاز به اذن ولی یا قیم دارد. زیرا سفیه در امور مالی محجور است. در مورد صحت ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم قانون مدنی ساکت است ولی طبق نظر استادان حقوق و نیز فقه امامیه چون ازدواج دارای پاره ای آثار مالی مانند مهر و نفقه است ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم غیر نافذ خواهد بود و قانون مدنی نیز این نظر را پذیرفته است.

بعضی از فقهای اسلامی بویژه حنفیان گفته اند سفیه می تواند مستقلاً عقد نکاح ببندد و ولی یا قیم تنها حق دخالت در تعیین مهر را دارند و اگر تعیین مهر بدون اذن آنها انجام گیرد غیر نافذ است و در صورتی که ولی یا قیم آن را رد کند در صورت وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

ازدواج مجنون: بطلان ازدواج خود مجنون و اعتبار عمل ولی: ازدواجی که به وسیله خود مجنون در حال جنون واقع شده باشد باطل است، ولی ممکن است ازدواج در بهبود مجنون تاثیر داشته و برای او لازم است و لذا نماینده قانونی مجنون (قیم) می تواند برای او عقد نکاح ببندد که برای تحقق این امر دو شرط لازم است:

۱- پزشک ازدواج را لازم بداند ۲- دادستان با این امر موافقت کند.

در صورتی که ولی قهری یا وصی بخواهد در این زمینه اقدام کند اجازه دادستان لازم نیست. ولایت ولایت قهری فقط در جنون متصل به صغر باقی خواهد ماند.

ازدواج مجنون ادواری: ولی یا قیم نمی تواند در مورد ازدواج مجنون ادواری اقدام کند. و خود مجنون در حال افاقه می تواند مستقلاً ازدواج نماید. البته در صورتی حکم به صحت این ازدواج می شود که افاقه او در زمان عقد نکاح مسلم باشد.

اجازه دولت برای ازدواج بیگانگان

ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه: طبق ماده ۱۰۶۰ ق.م، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است، این اجازه پروانه زناشویی نامیده می شود که مقام صالح برای صدور این پروانه وزارت کشور است. قاعده مندرج در این ماده از یک سو دارای جنبه سیاسی است و مصلحت دولت در آن است، واز سوی دیگر برای حمایت از زن است.

ضمانت اجراء: طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶، هر خارجی که بدون اجازه دولت با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری از یک تا سه سال محکوم می شود، البته زن نیز در صورتی که طبق مقررات معاون جرم

محسوب شود ، مجزات خواهد شد ؛ اما از لحاظ قانون مدنی می توان گفت ازدواج بدون پروانه نافذ است و دولت نمی تواند آن را ابطال کند.

ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با بیگانگان

منع ازدواج و ضمانت اجرای آن : طبق ماده واحده ۱۳۴۵ ، ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده اند ممنوع شده است. این قاعده دارای جنبه سیاسی و از نظر مصلحت دولت وضع شده است.

ضمانت اجرای اینگونه ازدواج این است که کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت ولی ازدواج آنها درست و نافذ است.

سوالات

۱- کدام گزینه صحیح است ؟ ۵/۲۰ نمره

- الف) وجود اراده در نکاح و قراردادهای دیگر به تنهایی برای تحقق قرارداد کافی است .
ب) دختر باکره در هر شرایطی می تواند برای اخذ اجازه نکاح به دادگاه مراجعه نماید .
ج) بلوغ در حقوق اسلام یک پدیده طبیعی و فیزیولوژیکی است که زمان آن در همه جا و همه کس یکسان نیست
د) نکاح بین دو همجنس می تواند تحقق یابد این امر جزو بدیهیات حقوقی است .

۲- ازدواج مجنون در حال جنون چه حکمی دارد ؟ ۵/۲۰ نمره

الف) صحیح ب) باطل ج) بدون اشکال د) با اجازه قیم صحیح است.

۳ - منظور از پروانه زناشویی چیست و از سوی چه مقامی صادر می شود ؟ ۵/۲۰ نمره

الف) اجازه مخصوص دولت در ازدواج مرد ایرانی با تبعه خارجه . / وزارت کشور

ب) اجازه مخصوص دولت در ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه . / وزارت کشور

ج) اجازه دولت به ازدواج زن و مرد تبعه خارجی . / استاندارها

۴ - هیچ کدام اشتباه در هویت جسمی چه تأثیری در عقد نکاح دارد ؟ ۵/۲۰ نمره

الف) صحیح ب) باطل ج) نافذ د) همه موارد